



دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهر
فصلنامه‌ی علمی- پژوهشی فضای جغرافیایی

سال سیزدهم، شماره‌ی ۴۲
تابستان ۱۳۹۲، صفحات ۷۰-۵۵

علیرضا شیخ‌الاسلامی^۱

مریم بیرانوندزاده^۲

کبری سرخ‌کمال^۳

ارزیابی وضعیت توسعه در استان خراسان شمالی

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۰/۰۸/۱۵

تاریخ دریافت مقاله: ۸۹/۰۸/۱۱

چکیده

بکارگیری معیارها و روش‌های کمی جهت سطح بندی سکونتگاه‌ها در سیستم فضایی مناطق از سویی منجر به شناخت میزان نابرابری نقاط سکونتگاهی و از سوی دیگر معیاری جهت تلاش در راستای کاهش و رفع نابرابری‌های موجود میان آنها محسوب می‌گردد. در واقع بررسی و شناخت وضعیت نواحی، قابلیت‌ها و تنگناهای آن در برنامه ریزی از اهمیت بسزایی برخوردار است. به طوری که استفاده از شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و بهداشتی و ... می‌تواند معیاری مناسب برای تعیین جایگاه نواحی در جهت رفع مشکلات و نارسایی‌های آنها برای نیل به رفاه اقتصادی و سلامتی اجتماعی باشد. با علم به این موضوع، هدف اصلی از انجام پژوهش حاضر، تعیین جایگاه استان خراسان شمالی در کشور از لحاظ برخورداری از شاخص‌های توسعه و همچنین بررسی وضعیت توسعه در سطوح مختلف استان و مقایسه آنها با یکدیگر می‌باشد. نتایج به دست آمده حاکی از آن است

E-mail: guplan@gmail.com

E-mail: m_beranvandzadeh@yahoo.com

E-mail: k.sorkhkamal@gmail.com

۱- استادیار دانشگاه آزاد اسلامی- واحد بروجرد

۲- کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری

۳- کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه یزد

استان خراسان شمالی در مقایسه با سایر استان های کشور بر اساس روش موریس و امتیاز استاندارد رتبه ۲۶ و بر اساس روش تاکسونومی رتبه ۲۸ را کسب نموده، معضل عدم توازن در میزان توسعه یافتگی در سطوح مختلف (شهرستان و بخش) استان کاملاً مشهود می باشد که به تفصیل بدان پرداخته شده است. لذا شکاف و تشدید نابرابری منطقه ای را موجب گردیده است. مطالعه نابرابری در مقیاس های مختلف، یکی از اقدامات ضروری و پایه ای برای برنامه ریزی و اصلاحات در جهت رشد اقتصادی همراه با عدالت اجتماعی است که می تواند در تخصیص منابع با هدف رفع نابرابری های منطقه ای مؤثر واقع گردد. لذا با توجه به این که رفع عدم تعادل، یکی از اهداف برنامه های توسعه کشور می باشد، ضروری است تا در بلندمدت، از طریق اعمال سیاست های سنجیده و منطقی شرایط لازم جهت کاهش و رفع عدم تعادل های موجود فراهم گردد.

کلید واژه ها: سطح بندی سکونتگاه ها، نابرابری، توسعه متعادل، عدالت اجتماعی، خراسان شمالی.

مقدمه

توسعه علاوه بر بهبود میزان تولید و درآمد شامل دگرگونی هایی در ساختار سیاسی، نهادی، اجتماعی، اداری و اصلاح آنها و همچنین وجه نظرهای عمومی مردم است، توسعه در بسیاری موارد بویژه باورها و الگوهای رفتاری و فعالیتی حتی آداب و رسوم و عقاید مردم را در بر می گیرد (ازکیا، ۱۳۶۴: ۷). هدف اصلی توسعه باید ایجاد یک الگوی مطلوب رشد درآمد همگانی که تمام اقشار جامعه را پوشش دهد باشد. البته با تأکیدی خاص بر تسریع رشد و درآمد گروه های بسیار فقیر. چنین هدفی مستلزم راهبرد است بسیار متفاوت از راهبرد به حداکثر رساندن نرخ رشد تولید ناخالص ملی، صرف نظر از نتایج توزیعی آن (تودارو، ۱۳۶۴: ۲۳۵). به طور کلی موقعیت توسعه یک مفهوم نظری خیلی پیچیده می باشد و بررسی مناسب آن مشتمل بر آگاهی بهتری درباره تداوم توسعه یافتگی همراه با توجه جامع از رفاه انسانی به عنوان هدف توسعه مطرح می گردد (بهفروز، ۱۳۷۸: ۱۰۹). در مجموع می توان گفت توسعه در مفهوم کلی خود به معنای ارتقای سطح مادی و معنوی جامعه انسانی و ایجاد شرایط مناسب یک زندگی سالم برای تمامی افراد جامعه است (رزاقی، ۱۳۶۹: ۳۲). در کشورهای در حال توسعه کیفیت زندگی مردم دستخوش نابرابری های منطقه ای عظیمی است که در بسیاری موارد، به سرعت در حال افزایش است (میسرا، ۱۳۶۸: ۲۳). توزیع متعادل امکانات و خدمات، گامی در جهت از بین بردن تفاوت های ناحیه ای و پراکندگی متناسب جمعیت در سطح منطقه است (خاکپور، ۱۳۸۵). دست یابی به توزیع متعادل امکانات و خدمات از اهداف کلی برنامه

ریزی منطقه ای و یا توسعه اقتصادی، برقراری عدالت اجتماعی، توزیع رفاه و ثروت در بین افراد جامعه است (رمضانی، ۱۳۷۶: ۵).

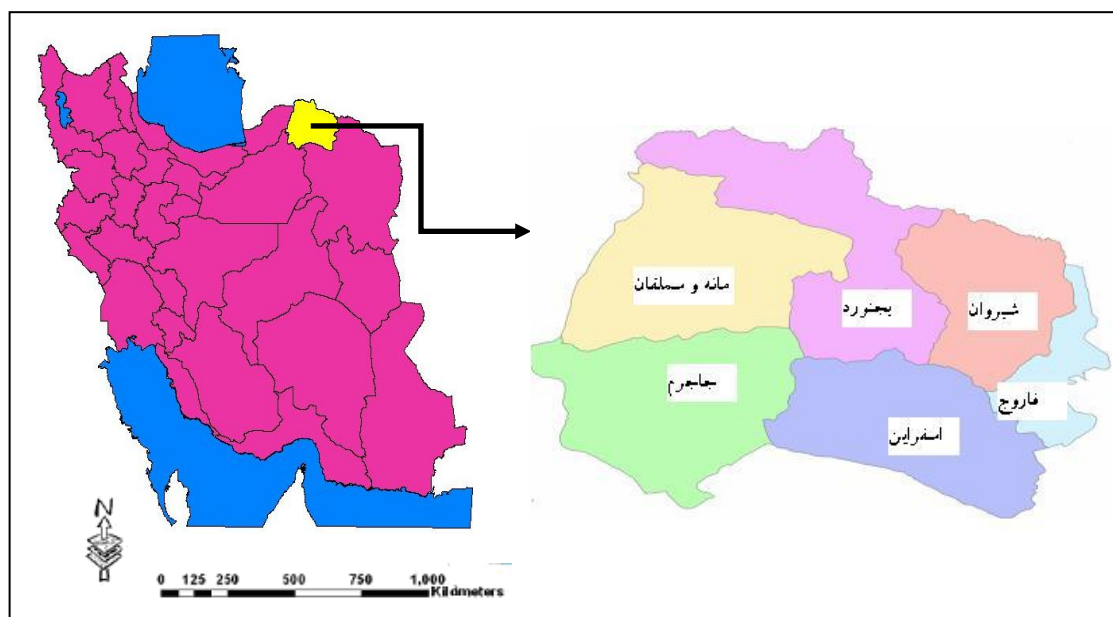
در واقع یکی از محورهای اطلاعاتی لازم جهت برنامه ریزی صحیح ملی و منطقه ای آگاهی از توانمندی های تولیدی بخش های متعدد در مناطق مختلف می باشد، لذا، تعیین موقعیت و جایگاه مناطق مختلف در تقسیم کار و اقتصاد توسعه ملی از اهمیت ویژه ای می باشد. دستیابی به پیشرفت و توسعه فراگیر در آینده مستلزم شناخت موقعیت مناطق مختلف در کشور است (بختیاری، ۱۳۸۱: ۱۵۶). در ایران علی رغم تجربه بیش از ۶۰ سال برنامه ریزی توسعه، به دلیل غلبه اقتصاد نفتی و سایر عوامل دیگر که ریشه تاریخی و ساختاری دارند، برنامه های توسعه نتوانسته مظاهر عقب ماندگی را در سطوح منطقه ای کاهش دهد. وجود فقر و نابرابری، محرومیت از امکانات و خدمات اساسی و تخریب روز افزون محیط زیست از نشانه های این وضعیت در استان های کشور است. شناخت علمی و همه جانبه امکانات و قابلیت ها، نارسائی ها و ناهماهنگی های استان های کشور به منظور ایجاد تعادل منطقه ای در سطح ملی و تسریع رشد و توسعه نواحی آن یکی از مهم ترین عواملی است که می تواند در تدوین و اجرای توسعه اقتصادی - اجتماعی کشور مفید و مؤثر واقع شود (زیاری و همکاران، ۱۳۸۹). مرور پیشینه تحقیق نشان می دهد که در این ارتباط تحقیقات و مطالعات مختلفی انجام گرفته است. در اینجا به برخی از مهم ترین آنها اشاره می گردد. سازمان ملل متحد در گزارشی با استفاده از سه شاخص امید به زندگی، درصد باسوادی و درآمد سرانه، درجه توسعه یافتگی کشورها را مورد بررسی قرار داد. نتایج نشان داد که بسیاری از کشورهای آفریقایی، آمریکای جنوبی و مرکزی و آسیایی از لحاظ توسعه انسانی در سطح پایینی قرار داشته و نیازمند رشد اقتصادی می باشند (UNDP, 1997: 11-230). باهاتیا و رای (Bhatia & Rai, 2004) با استفاده از ۲۳ شاخص به کمک روش های تحلیل عاملی و تاکسونومی عددی به تعیین سطح توسعه ۳۸۰ بلوک در ۳۲ منطقه از هند در سال ۲۰۰۱ پرداخته و ۵۶ بلوک را توسعه یافته، ۱۵۶ بلوک را نسبتاً توسعه یافته، ۱۱۶ بلوک را کمتر توسعه. سرخ کمال (۱۳۸۷) درجه توسعه یافتگی شهرستان های استان خراسان رضوی را در ۸۴ شاخص اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و غیره با استفاده از مدل تاکسونومی عددی و چندین مدل مکمل در ارتباط با سنجش میزان توسعه یافتگی و رتبه بندی مناطق مورد بررسی قرار داد. یافته های پژوهش حاکی از آن است ساختار فضایی استان خراسان رضوی دارای دو بخش مرکز - پیرامون است.

در این تحقیق مفهوم توسعه یافتگی، تغییرات اساسی در ساختار اقتصادی و اجتماعی، کاهش نابرابری های ناحیه ای، توزیع بهینه امکانات، برقراری عدالت و در نهایت رسیدن به انواع تعادل ها می باشد. لذا با علم به این موضوع،

در این مقاله سعی بر آن شده تا ضمن سنجش درجه توسعه یافتگی استان خراسان شمالی در کشور، مبادرت به تعیین درجه توسعه یافتگی هریک از شهرستان های استان به طور مجزا گردد. نتیجه تحقیق حاضر می تواند نقش مؤثری در افزایش شناخت برنامه ریزان و مسئولان امر توسعه و پیشرفت استان مورد مطالعه داشته باشد. از این (سطح) در اولویت- اقتصادی و نقاط سکونتگاهی توسعه یافته (سطح ۱) در اولویت. البته این به معنای کم توجهی به مناطق سطح ۱ نخواهد بود؛ چرا که به طور کلی شاخص های توسعه یافتگی در کشور ما نسبت به سطح جهانی آن پایین است. از این روی ارتقاء سطح کلی آن در برنامه آتی ضروری است.

معرفی محدوده مورد مطالعه

استان خراسان شمالی با وسعتی بیش از ۲۸۱۶۶ هزار کیلومتر مربع بین مدار جغرافیایی ۳۶ درجه و ۳۷ دقیقه تا ۳۸ درجه و ۱۷ دقیقه عرض شمالی از خط استوا و ۵۵ درجه و ۵۳ دقیقه تا ۵۸ درجه و ۲۰ دقیقه طول شرقی از نصف النهار گرینویچ قرار گرفته است. بر اساس سرشماری سال ۱۳۸۵ جمعیت این استان ۸۱۱۵۷۲ نفر برآورد شده است. در سال ۱۳۸۳ استان خراسان به سه استان تقسیم شد که استان خراسان شمالی به مرکزیت بجنورد با ۶ شهرستان شکل گرفت (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵) که در سال ۱۳۸۷ شهرستان گرمه- جاجرم مستقل اعلام شد. بدین ترتیب این استان در سال ۱۳۸۷ دارای ۷ شهرستان شد (مرکز آمار ایران) در نقشه شماره (۱) موقعیت مکانی استان خراسان شمالی در کشور نشان داده شده است.



نقشه شماره ۱- موقعیت جغرافیایی استان خراسان شمالی در کشور

مواد و روش ها

با توجه به مؤلفه های مورد بررسی، نوع تحقیق «کاربردی- توسعه ای» و روش بررسی آن «توصیفی- تحلیلی» است. جامعه آماری، استان های کشور با گستره ای به وسعت ۱۶۴۸۱۹۵ کیلومترمربع و تراکم جمعیتی حدود ۴۳ نفر در هرکیلومتر مربع، با تاکید بر استان خراسان شمالی به تفکیک شهرستان و بخش می باشد. اطلاعات مورد نیاز این پژوهش به صورت اسنادی - نظری (کتابخانه ای و...) و با استفاده از منابع آماری از جمله نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵ و همچنین بخشی از اطلاعات موردنیاز از طریق نتایج تفصیلی سرشماری عمومی کشاورزی ۱۳۸۲ تهیه شده است. به منظور تعیین جایگاه استان خراسان شمالی در مقایسه با سایر استان های کشور و سنجش وضعیت توسعه یافتگی در سطح شهرستانهای و بخش های استان، ۲۳ متغیر در قالب شاخص اجتماعی- فرهنگی، اقتصادی، زیربنایی، زیست، موریس، تاکسونومی عددی و امتیاز استاندارد شده و در سطح ملی و ناحیه ای مورد سنجش قرار گرفتند.

شاخص های تحقیق مورد استفاده

- | | |
|---|--|
| - نسبت مسکن دارای آب لوله کشی | - نسبت معلم به محصلین متوسطه |
| - نسبت خانوار دارای تلفن | - نسبت باسوادان |
| - تعداد درمانگاه روستایی به ازای هر ۵۰۰۰۰ نفر - | - نسبت زنان با سواد بالای ۶ سال |
| جمعیت روستایی | - نسبت باسوادان با تحصیلات عالی از کل باسوادان |
| - تعداد بهیار و مامای روستایی به ازای هر ۱۰۰۰ نفر | - نسبت آبادی های دارای تلفن |
| - جمعیت روستایی | - نسبت شاغلین بخش کشاورزی به کل شاغلین |
| - نسبت آبادی های دارای حمام | - نسبت شاغلین با سواد بخش کشاورزی |
| - نسبت آبادی های دارای اب لوله کشی | - نسبت شاغلین بخش صنعت به کل شاغلین |
| - نسبت آبادی های دارای برق | - درصد اشتغال |
| - متوسط رشد جمعیت | - سرانه پزشک به ازای هر ۱۰۰۰ نفر |
| - درصد شهرنشینی | - سرانه تخت بیمارستان به ازای هر ۱۰۰۰ نفر |
| | - سرانه پرستار و بهیار به ازای هر ۲۵ تخت |
| | - نسبت مساحت استان به مساحت کشور |

شرح مدل‌ها

گرچه ممکن است به سادگی بتوان اظهار نظر کرد که ناحیه‌ای از ناحیه دیگر از هر لحاظ توسعه، توسعه یافته تر یا عقب مانده تر است، ولی اندازه گیری کمی توسعه یافتگی کار ساده‌ای نیست. چون واژه توسعه دارای معانی بسیاری است. آیا منظور از توسعه یافتگی از نظر اقتصادی، اجتماعی، توانهای محیطی، آموزشی و بهداشتی است؟ یا ترکیبی از این مؤلفه‌ها. برای تعیین درجه توسعه یافتگی مناطق، روش‌های متعددی از جمله شاخص ترکیبی توسعه منابع انسانی مربوط به سازمان ملل متحد «تاکسونومی عددی»، «امتیاز استاندارد شده» و غیره وجود دارد که در این پژوهش از سه روش تاکسونومی، موریس و امتیاز استاندارد استفاده شده است که در اینجا به معرفی مدل‌های مورد استفاده می‌پردازیم.

روش تاکسونومی عددی

جهت رتبه بندی بخش‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی روش‌های متفاوتی وجود دارد که الزاماً جواب‌های یکسانی ندارد، در میان این روش‌ها آنالیز تاکسونومی عددی با تلفیق نمودن شاخص‌های مختلف توسعه در جه توسعه یافتگی آنها را مشخص می‌کند (قدیری معصوم و حبیبی ۱۳۸۳: ۱۴۷). روش تاکسونومی یکی دیگر از روش‌های سنجش درجه‌ی توسعه یافتگی مناطق است. این روش برای اولین بار توسط «آندرسون» در سال ۱۷۶۳ م. پیشنهاد شد و در سال ۱۹۶۸ به عنوان وسیله‌ای برای طبقه بندی و درجه توسعه یافتگی بین ملل توسط پورفسور هلوینگ از مدرسه عالی اقتصاد در یونسکو مطرح شد (زیاری، ۱۳۸۳: ۱۳۷). در این روش برای تعیین واحدها یا انواع موضوعات همگن در یک فضای برداری سه بعدی و بدون استفاده از رگرسیون، واریانس و آنالیز همبستگی قادر خواهد بود یک مجموعه را به یک زیر مجموعه‌ی کم و بیش همگن تقسیم کند (بدری، ۱۳۸۲). تفاوت‌های بین عناصر درونی یک گروه در حداقل و بین این گروه با عناصر دیگر در حداکثر است؛ از این رو گروه‌ها معمولاً خوشه‌ای از موضوعات و وقایع هستند که برحسب تشابه یا نزدیکی عناصرشان تعریف می‌شوند (بید آبادی، ۱۳۶۲: ۴).

روش امتیاز استاندارد شده

از این روش برای مقایسه شاخص‌ها و به دست آوردن یک شاخص واحد از نتایج تلفیقی شاخص‌ها استفاده می‌شود (موسی کاظمی محمدی، ۱۳۸۰: ۱۶۳). این روش میزان تفاوت میان حوزه‌ها و محلات را آشکار می‌سازد. امتیاز استاندارد شده از رابطه زیر به دست می‌آید: در این رابطه؛ SS_{ij} برابر با امتیاز استاندارد شده شاخص i در حوزه یا محله j ،

X_{ij} برابر با مقدار شاخص i در حوزه یا محله j ،

\bar{X} برابر با میانگین شاخص i ،

و σ_i برابر با انحراف معیار شاخص i ، است.

در مرحله بعد امتیاز استاندارد شده هریک از شاخص های مورد بررسی در هر استان، با هم جمع و نتیجه به تعداد کل شاخص ها تقسیم می شود. امتیاز به دست آمده، معدل امتیاز استاندارد شده یا شاخص توسعه استان ها است که به صورت یک شاخص واحد، امکان مقایسه از نظر وضعیت توسعه را میسر می سازد: در این رابطه؛

SS_j برابر با شاخص توسعه برای استان j ،

و n برابر با تعداد شاخص های در نظر گرفته شده است.

شاخص ناموزونی موريس

در این روش با استفاده از داده های گردآوری شده برای هراستان، جایگاه توسعه یافتگی آن در میان سایر استان ها برحسب شاخص های انتخابی تعیین می گردد. از این روش در گزارش توسعه نیروی انسانی سازمان ملل استفاده شده و شاخص به دست آمده مدرک رتبه بندی کشورها از نظر توسعه نیروی انسانی می باشد (موسی کاظمی محمدی، ۱۳۸۰: ۱۶۵). در این روش انحراف مقادیر عددی شاخص i در هر منطقه یا استان از حداقل شاخص i در میان مناطق یا استان ها، بر دامنه تغییرات آن شاخص تقسیم شده، میزان ناموزونی مقدار عددی شاخص، نسبت به شاخص پراکندگی دامنه تغییرات آن $[R=] X(\max) - X(\min)I$ محاسبه می شود:

رابطه:

$$M.I.I.ij = \frac{X_{ij} - X(\min)_i}{X(\max)_i - X(\min)_i}$$

در این رابطه؛

$M.I.I.ij$ برابر با مقدار شاخص ناموزونی موريس برای شاخص i در استان j ،

X_{ij} برابر با مقدار عددی شاخص i در استان j ،

$X(\min)_i$ برابر با کمترین مقدار شاخص i ،

$X(\max)_i$ برابر با بیشترین مقدار شاخص i است.

در مرحله بعد میانگین مقادیر عددی شاخص ناموزونی موريس برای شاخص ها در هر استان به عنوان ملاک تعیین رتبه یا وضعیت توسعه، از بیشترین مقدار (رتبه اول) تا کمترین مقدار (رتبه آخر)، به کار می رود. رابطه:

$$M.I.I.j = \frac{1}{n} \sum M.I.I.ij$$

در این رابطه؛ $M.I.I.j$ برابر با شاخص توسعه برای حوزه یا محله j ،

و n برابر با تعداد شاخص های در نظر گرفته شده است

یافته‌ها

بر پایه محاسبات صورت گرفته بر اساس روش های موریس، امتیاز استاندارد و تاکسونومی عددی ضریب توسعه یافتگی هر یک از استان های کشور محاسبه شده است. نتایج حاصله از بررسی ها نشان می دهد که ضریب توسعه یافتگی استان ها بر اساس روش موریس و امتیاز استاندارد از حداکثر ۰/۷۴ تا حداقل ۱۷ نوسان دارد، به طوری که استان یزد با بالاترین میزان برخورداری و استان سیستان و بلوچستان پایین ترین میزان برخورداری را در بین استان های کشور را دارا می باشد. استان خراسان شمالی با ضریب توسعه یافتگی (۰/۳۸) رتبه بیست و ششم را در بین دیگر استان های کشور کسب نموده است. بر اساس آنالیز تاکسونومی عددی، ضریب توسعه یافتگی استان ها از حداقل ۰/۵۲ تا ۱ نوسان دارد. در این روش نیز استان یزد رتبه ۱ و استان سیستان و بلوچستان رتبه آخر (۳۰) را کسب نموده است. استان خراسان شمالی با ضریب توسعه یافتگی ۰/۸۴ رتبه ۲۸ را بین استان های کشور دارا می باشد. جدول های شماره (۱) و (۲) نمایانگر رتبه و ضریب توسعه هر یک از استان های کشور براساس شاخص های انتخابی و در قالب مدل های تحقیق می باشد.

جدول شماره ۱- رتبه بندی استان های کشور در بخش های مختلف بر حسب محاسبات روش موریس و امتیاز استاندارد

استان	رتبه	موریس	استاندارد شده	رتبه	استان	رتبه	موریس	استاندارد شده	رتبه
آذربایجان شرقی	۹	۰/۵۴	۰/۵۴	۱۰	فارس	۹	۰/۵۴	۰/۵۴	۱۰
آذربایجان غربی	۲۴	۰/۴۲	۰/۵۶	۷	قزوین	۲۴	۰/۴۲	۰/۴۲	۷
اردبیل	۱۶	۰/۴۶	۰/۵۶	۸	قم	۱۶	۰/۴۶	۰/۴۶	۸
اصفهان	۳	۰/۶۳	۰/۴۶	۱۷	کردستان	۳	۰/۶۳	۰/۴۶	۱۷
ایلام	۲۰	۰/۴۴	۰/۴۲	۲۵	کرمان	۲۰	۰/۴۴	۰/۴۲	۲۵
بوشهر	۲۳	۰/۴۳	۰/۴۴	۱۹	کرمانشاه	۲۳	۰/۴۳	۰/۴۴	۱۹
تهران	۶	۰/۵۷	۰/۳۷	۲۸	کهگیلویه ویراحمد	۶	۰/۵۷	۰/۳۷	۲۸
چهارمحال و بختیاری	۲۱	۰/۴۴	۰/۴۹	۱۴	گلستان	۲۱	۰/۴۴	۰/۴۹	۱۴
خراسان جنوبی	۱۲	۰/۵۰	۰/۴۶	۱۸	گیلان	۱۲	۰/۵۰	۰/۴۶	۱۸
خراسان رضوی	۴	۰/۶۱	۰/۳۷	۲۷	لرستان	۴	۰/۶۱	۰/۳۷	۲۷
خراسان شمالی	۲۶	۰/۳۸	۰/۵۸	۵	مازندران	۲۶	۰/۳۸	۰/۵۸	۵
خوزستان	۲۲	۰/۴۴	۰/۵۳	۱۱	مرکزی	۲۲	۰/۴۴	۰/۵۳	۱۱
زنجان	۱۳	۰/۵۰	۰/۳۰	۲۹	هرمزگان	۱۳	۰/۵۰	۰/۳۰	۲۹
سمنان	۲	۰/۶۵	۰/۴۷	۱۵	همدان	۲	۰/۶۵	۰/۴۷	۱۵
سیستان و بلوچستان	۳۰	۰/۱۷	۰/۷۴	۱	یزد	۳۰	۰/۱۷	۰/۷۴	۱

جدول شماره ۲- رتبه بندی استان های کشور در بخش های مختلف بر حسب محاسبات تکنیک تاکسونومی عددی

استان	رتبه	تاکسونومی عددی	استان	رتبه	تاکسونومی
آذربایجان شرقی	۷	۰/۶۵	فارس	۶	۰/۶۵
آذربایجان غربی	۲۲	۰/۸۰	قزوین	۲۳	۰/۸۱
اردبیل	۱۶	۰/۷۷	قم	۱۲	۰/۷۳
اصفهان	۳	۰/۵۷	کردستان	۲۱	۰/۷۹
ایلام	۱۷	۰/۷۸	کرمان	۲۴	۰/۸۲
بوشهر	۲۵	۰/۸۳	کرمانشاه	۱۵	۰/۷۷
تهران	۲۰	۰/۷۹	کهگیلویه و	۲۷	۰/۸۸
چهارمحال و بختیاری	۱۸	۰/۷۸	گلستان	۱۰	۰/۷۲
خراسان جنوبی	۱۴	۰/۷۷	گیلان	۱۳	۰/۷۶
خراسان رضوی	۴	۰/۵۷	لرستان	۲۶	۰/۸۴
خراسان شمالی	۲۸	۰/۸۹	مازندران	۵	۰/۶۴
خوزستان	۱۹	۰/۷۹	مرکزی	۸	۰/۶۸
زنجان	۹	۰/۷۱	هرمزگان	۲۹	۰/۹۷
سمنان	۲	۰/۵۶	همدان	۱۱	۰/۷۳
سیستان و بلوچستان	۳۰	۱	یزد	۱	۰/۵۲

جدول شماره ۳- گروه بندی استان های کشور براساس روش موريس و امتیاز استاندارد ماخذ: محاسبات نگارندگان

ردیف	وضعیت توسعه	استان	تعداد	درصد
۱	برخوردار	یزد، سمنان، اصفهان، خراسان رضوی، مازندران، تهران، قم، قزوین، آذربایجان شرقی، فارس، مرکزی	۱۱	۳۶/۶
۲	نیمه برخوردار	خراسان جنوبی، زنجان، گلستان، همدان، اردبیل، کردستان، گیلان، کرمانشاه، ایلام، چارمهال، خوزستان	۱۱	۳۶/۶
۳	محروم	آذربایجان غربی، کرمان، بوشهر، لرستان، کهگیلویه، خراسان شمالی، هرمزگان، سیستان	۸	۲۶/۶
		رتبه	وضعیت توسعه	
		۲۶	محروم	
استان خراسان شمالی				

ماخذ: محاسبات نگارندگان

جدول شماره ۴- گروه بندی استان های کشور بر اساس روش تاکسونومی عددی

ردیف	وضعیت توسعه	استان	تعداد	درصد
۱	برخوردار	یزد، سمنان، اصفهان، خراسان رضوی، مازندران، فارس، آذربایجان شرقی، مرکزی، زنجان، گلستان، همدان، قم، گیلان	۱۳	۴۳
۲	نیمه برخوردار	خراسان جنوبی، کرمانشاه، اردبیل، ایلام، چارمحال، خوزستان، کردستان.	۸	۲۷
۳	محروم	آذربایجان غربی، کرمان، قزوین، بوشهر، لرستان، کهگیلویه، خراسان شمالی، هرمزگان، سیستان	۹	۳۰
استان خراسان شمالی		رتبه	وضعیت توسعه	
		۲۸	محروم	

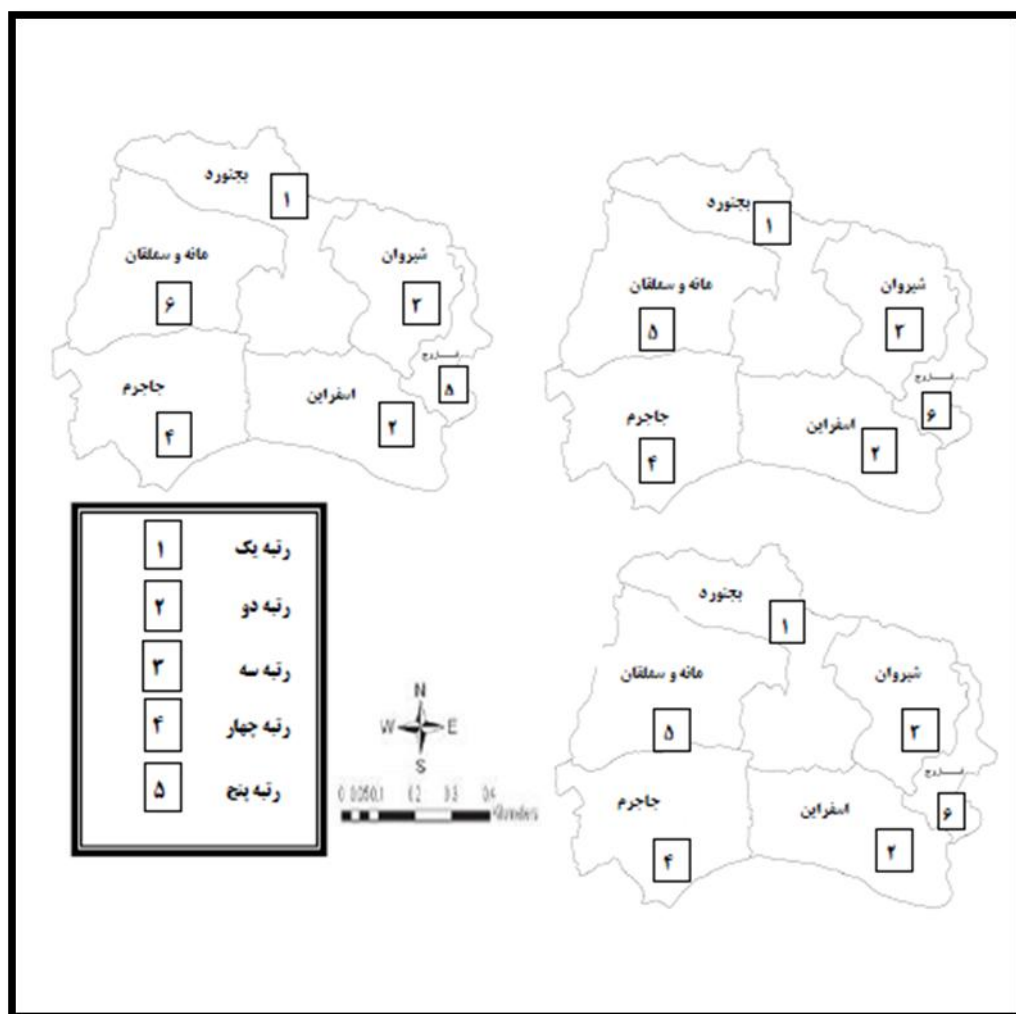
سنجش توسعه یافتگی استان خراسان شمالی (شهرستان و بخش)

سنجش توسعه یافتگی استان در سطح شهرستان

جدول شماره ۵- ضریب و رتبه ی توسعه یافتگی شهرستانهای استان خراسان شمالی بر اساس روش های مورد مطالعه

شهرستان	روش موريس			روش امتیاز استاندارد			روش تاکسونومی عددی		
	رتبه	نوع توسعه	ضریب توسعه یافتگی	رتبه	نوع توسعه	ضریب توسعه یافتگی	رتبه	نوع توسعه	ضریب توسعه یافتگی
اسفراین	۲	در حال توسعه	۴۸/۳	۲	در حال توسعه	۰/۰۵۳	۲	در حال توسعه	۰/۸۵۱
بجنورد	۱	توسعه یافته	۶۳/۵	۱	توسعه یافته	۰/۴۳۶	۱	توسعه یافته	۰/۶۷۱
جاجرم	۳	در حال توسعه	۴۷/۹	۳	در حال توسعه	۰/۰۴۷	۳	توسعه نیافته	۰/۹۲۵
شیروان	۴	در حال توسعه	۴۶/۸	۴	در حال توسعه	۰/۰۱۵	۴	در حال توسعه	۰/۸۵۳
فاروج	۵	توسعه نیافته	۳۷/۸	۵	توسعه نیافته	-۰/۳۳۱	۶	توسعه نیافته	۰/۹۹۸
مانه و سملقان	۶	توسعه نیافته	۳۷/۹	۶	توسعه نیافته	-۰/۲۲	۵	توسعه نیافته	۰/۹۸۳

منبع: زیاری و همکاران، (۱۳۸۹)



نقشه شماره ۲- رتبه بندی شهرستانهای خراسان شمالی از لحاظ سطح توسعه یافتگی در قالب مدل های تحقیق

سنجش توسعه یافتگی استان در سطح بخش

بررسی درجه توسعه یافتگی بخش های استان در کلیه شاخص های بررسی، یعنی شاخص های کشاورزی، بازرگانی، زیر بنایی، بهداشتی - درمانی، آموزشی و ... نشانگر آن است که بخش مرکزی شهرستان شیروان با درجه توسعه یافتگی ۰/۷۷ برخوردارترین بخش استان و بخش سنخواست با درجه توسعه یافتگی ۰/۹۹۴ محروم ترین (غیر برخوردارترین) بخش استان است. نتایج گویای آن است که بخش های مرکزی شهرستان های شیروان و اسفراین، خبوشان و سملقان با درجه توسعه یافتگی ۰/۸۲-۰/۷۷ جزو بخش های برخوردار استان هستند. سه بخش گرمخان، مرکزی مانه و سملقان و بام و صفی آباد با درجه توسعه یافتگی ۰/۸۵-۰/۸۳ جزو بخش های نیمه برخوردار استان هستند. نکته حائز اهمیت وجود سه بخش مرکزی شهرستان های جاجرم، بجنورد و فاروج در گروه بخشهای در حال برخورداری با درجه توسعه یافتگی ۰/۹۱-۰/۸۶ است (در این گروه جلگه شوقان نیز قرار دارد) چهار بخش راز و جرگلان، سرحد، مانه، جلگه سنخواست با درجه توسعه یافتگی ۰/۹۹-۰/۹۱ جزو بخشهای غیر

برخوردار، محروم استان بوده اند. بر این اساس به نظر می رسد بخشهای شهرستان های شرق و شمال شرقی استان از وضعیت مناسب تری نسبت به بخشهای غربی و شمال غربی استان برخوردارند.

جدول شماره ۶- وضعیت توسعه یافتگی روستایی بخش های استان خراسان شمالی در کلیه شاخص ها

ردیف	نام شهرستان	نام بخش	درجه توسعه یافتگی	میزان برخورداری
۱	شیروان	مرکزی	۰/۷۷۰۵	برخوردار
۲	اسفراین	مرکزی	۰/۸۰۹۴	
۳	فاروج	خیوشان	۰/۸۲۰۹	
۴	مانه و سملقان	سملقان	۰/۸۲۴۰	
۵	بجنورد	گرمخان	۰/۸۳۸۴	نیمه برخوردار
۶	مانه و سملقان	مرکزی	۰/۸۴۱۴	
۷	اسفراین	بام وصفی آباد	۰/۸۵۲۸	
۸	جاجرم	مرکزی	۰/۸۶۲۵	درحال برخوردار
۹	بجنورد	مرکزی	۰/۸۷۵۳	
۱۰	جاجرم	جلگه شوقان	۰/۸۸۴۳۰	
۱۱	فاروج	مرکزی	۰/۹۱۷۴	
۱۲	بجنورد	رازوجرگلان	۰/۹۱۸۲	محروم
۱۳	شیروان	سرحد	۰/۹۵۳۱	
۱۴	مانه و سملقان	مانه	۰/۹۷۴۳	
۱۵	جاجرم	جلگه سنخواست	۰/۹۹۴۴	

منبع: (صالحی فرد، ۱۳۸۷)

نتیجه گیری

در استان های مختلف کشور از نظر توسعه یافتگی نابرابری وجود دارد و شکاف میان آنها کاملاً مشهود است. مسئله مهم در علل این عقب افتادگی رویکرد حاکم بر نظام برنامه ریزی در کشور در طی پنجاه سال مشهود است. از آنجا که معیارهای تصمیم گیری با الگوی مرکز-پیرامون صورت گرفته است، بیشترین امکانات توسعه در شهرهای بزرگ و به خصوص استان های مرکزی کشور متمرکز شده است. در مقابل در مناطق جنوبی، جنوب غربی و جنوب شرقی (خراسان شمالی) با قطب های محروم از توسعه کشور مواجه هستیم.

بر اساس محاسبات صورت گرفته از طریق روش های موريس، امتیاز استاندارد و تاکسونومی عددی ضریب توسعه یافتگی هر یک از استان های کشور محاسبه شده است. نتایج حاصله از بررسی ها نشان می دهد که ضریب توسعه یافتگی استان ها بر اساس روش موريس و امتیاز استاندارد از حداکثر $0/74$ تا حداقل 17 نوسان دارد، به طوری که استان یزد بالاترین میزان برخورداری و استان سیستان و بلوچستان پایین ترین میزان برخورداری را در بین استان های کشور دارا می باشد. استان خراسان شمالی با ضریب توسعه یافتگی ($0/38$) رتبه بیست و ششم را در بین دیگر استان های کشور کسب نموده است. بر اساس آنالیز تاکسونومی عددی، ضریب توسعه یافتگی استان ها از حداقل $0/52$ تا 1 نوسان دارد. در این روش نیز استان یزد رتبه 1 و استان سیستان و بلوچستان رتبه آخر (30) را کسب نموده است. استان خراسان شمالی با ضریب توسعه یافتگی $0/84$ رتبه 28 را بین استان های کشور دارا می باشد. بر اساس محاسبات صورت گرفته بر اساس 3 روش مذکور استان خراسان شمالی در رده استان های محروم از توسعه و به اصطلاح توسعه نیافته (عقب مانده) قرار دارد. بر اساس سه روش استفاده شده در تحقیق در سطح استان، شهرستان بجنورد توسعه یافته، شهرستان های اسفراین، شیروان و جاجرم در حال توسعه و شهرستان های مانه و سملقان و فاروج توسعه نیافته اند.

بررسی درجه توسعه یافتگی بخش های استان در کلیه شاخص های بررسی، یعنی شاخص های کشاورزی، بازرگانی، زیر بنایی، بهداشتی - درمانی، آموزشی و ... گویای آن است که بخش مرکزی شهرستان شیروان با درجه توسعه یافتگی $0/77$ برخوردارترین بخش استان و بخش سنخواست با درجه توسعه یافتگی $0/994$ محروم ترین (غیر برخوردارترین) بخش استان است. نتایج نشان می دهد که بخش های مرکزی شهرستان های شیروان و اسفراین، خبوشان و سملقان با درجه توسعه یافتگی $0/82-0/77$ جزو بخش های برخوردار استان هستند. سه بخش گرمخان، مرکزی مانه و سملقان و بام و صفی آباد با درجه توسعه یافتگی $0/85-0/83$ جزء بخش های نیمه برخوردار استان هستند. نکته حائز اهمیت وجود سه بخش مرکزی شهرستان های جاجرم، بجنورد و فاروج در گروه بخش های در حال برخورداری با درجه توسعه یافتگی $0/91-0/86$ است (در این گروه جلگه شوقان نیز قرار دارد) چهار بخش راز و جرگلان، سرحد، مانه، جلگه سنخواست با درجه توسعه یافتگی $0/99-0/91$ جزو بخش های

غیر برخوردار، محروم استان بوده اند. بر این اساس بخش های شهرستان های شرق و شمال شرقی استان از وضعیت مناسب تری نسبت به بخش های غربی و شمال غربی استان برخوردارند.

به طور کلی عدم توازن در جریان توسعه بین استان های کشور در سطح ملی، منطقه ای و ناحیه ای مشهود است که موجب ایجاد شکاف و تشدید نابرابری منطقه ای شده است بر این اساس مطالعه نابرابری های اقتصادی، اجتماعی منطقه ای و استانی یکی از اقدامات ضروری و پایه ای برای برنامه ریزی و اصلاحات در جهت رشد اقتصادی همراه با عدالت اجتماعی است که می تواند تخصیص منابع را باهدف نابرابری های منطقه ای تحت تاثیر قرار دهد.

بنابراین، با توجه به این نکته که رفع عدم تعادل های اقتصادی یکی از اهداف برنامه های توسعه کشور می باشد، ضروری است تا در بلندمدت، از طریق اعمال سیاست های سنجیده و منطقی شرایط لازم جهت تحلیل و حتی رفع عدم تعادل های موجود فراهم گردد.

منابع

- ۱- ابراهیمی، سمیه (۱۳۸۷)، «برنامه ریزی توسعه پایدار شهرهای ساحلی: شهر بابلسر»، پایان نامه کارشناسی ارشد، گروه جغرافیا دانشگاه یزد، دانشکده علوم انسانی.
- ۲- ازکیا، مصطفی (۱۳۸۵)، «مقدمه ای بر جامعه شناسی توسعه روستایی»، تهران، انتشارات اطلاعات.
- ۳- بهفروز، فاطمه (۱۳۷۸)، «بررسی مفهوم توسعه پایدار در تحقیقات علمی جغرافیایی با تأکید بر جنبه های کشاورزی و روستایی»، *مجله پژوهش های جغرافیایی*، دانشگاه تهران، شماره ۳۶، صص ۱۰۸-۱۲۱.
- ۴- تودارو، مایکل (۱۹۸۵)، «توسعه اقتصادی در جهان سوم»، ترجمه غلامعلی فرجادی، تهران، انتشارات سازمان برنامه و بودجه.
- ۵- بختیاری، صادق (۱۳۸۱)، «تحلیلی مقایسه ای از توسعه صنعتی استان های مختلف کشور»، *پژوهشنامه بازرگانی*، ۲۲/۶، تهران.
- ۶- بید آباد، بیژن (۱۳۶۲)، «آنالیز تاکسونومی»، تهران، سازمان برنامه و بودجه استان مرکزی.
- ۷- خاکپور، براتعلی (۱۳۸۵)، «سنجش میزان توسعه یافتگی دهستان های شهرستان شیروان به منظور برنامه ریزی ناحیه ای»، *مجله جغرافیا و توسعه ناحیه ای*، شماره ۷، صص ۲۲-۳۴.
- ۸- رزاقی، ابراهیم (۱۳۶۹)، «الگویی برای بازسازی توسعه اقتصادی ایران»، تهران، نشر توسعه.
- ۹- رضانی، محمد ابراهیم (۱۳۷۶)، «سنجش توسعه شمال خراسان بر پایه مدل های برنامه ریزی ناحیه ای»، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تهران، دانشکده علوم انسانی.
- ۱۰- زیاری، کرامت اله (۱۳۸۳)، «اصول و روش های برنامه ریزی منطقه ای»، یزد، انتشارات دانشگاه یزد.
- ۱۱- صالحی فرد، محمد (۱۳۸۷)، «طرح تحقیقاتی تعیین میزان توسعه یافتگی روستاهای استان خراسان شمالی از لحاظ شاخص های اقتصادی-اجتماعی»، مشهد، سازمان مدیریت و برنامه ریزی خراسان شمالی.
- ۱۲- سرخ کمال، کبری (۱۳۸۷)، «سنجش درجه توسعه یافتگی استان خراسان رضوی با تأکید بر جایگاه شهرستان قوچان»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه یزد، دانشکده علوم انسانی.
- ۱۳- قدیری معصوم، مجتبی؛ حبیبی، کیومرث (۱۳۸۳)، «سنجش و تحلیل سطوح توسعه یافتگی شهرها و شهرستان های استان گلستان»، *نامه علوم اجتماعی*، شماره ۳، صص ۱۴۶-۱۵۸.
- ۱۴- مرکز آمار ایران (۱۳۸۵)، «نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن».
- ۱۵- کاظمی، موسی؛ محمدی، سیدمهدی (۱۳۸۰)، «توسعه پایدار شهری: مفاهیم و دیدگاه ها، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی»، سال شانزدهم، شماره ۳، صص ۱۷۰-۱۶۱.

۱۸- میسرا، آر. پی (۱۳۳۸)، «توسعه منطقه‌ی روش‌های آن»، ترجمه عباس مخبر، تهران، وزارت برنامه و بودجه.

۱۹- نتایج تفصیلی سرشماری عمومی کشاورزی (۱۳۸۲).

21- Bhatia, V. K., Rai,S.C., (2004),"Evaluation of socio-economic development in small areas, New Dehli", UNDP,Human Development Report/ New York,1991,PP 011-230 .

22-Getis, A., Getis,J., Fellmann,J.,(1991)," Introduction to geography,Newyourk, MacMillan Publishiner

UNDP,(1997)," Human Development Report, New York."